



3

Vol. 10
Autumn 2025

Research Paper

Received:
2025/01/05
Revised:
2025/07/14
Accepted:
2025/07/15
Published:
2025/09/23
P.P: 61-88

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Iran's foreign and security policy in the Ahmadinejad and Rouhani governments; Iranian threatening centers and authorities

Ayub Nikunahad¹ | Habibollah Fadavi²

Abstract

The regulation of security policy in the face of foreign threat centers and authorities is one of the challenges of the countries' foreign policy. The foreign and security policy of the Islamic Republic of Iran has experienced different activism in different governments, and these activisms have been subject to internal structural necessities, the behavior of actors in the regional environment, the state of the international system, and Iran's position. For a proper explanation of the issue, it is necessary to answer these questions that the most important foci and authorities of Iran's security threat in the field of foreign policy during the years 1384 to 1400 included what issues? And in the meantime, how is Iran's activism towards the centers of security threats regulated by each of these governments? To answer these questions, a descriptive-analytical method was used by referring to library documents (books, articles, reports and internal and external notes) about the security policy of the Islamic Republic of Iran. Although some centers and authorities that pose threats to foreign policy have commonalities in the governments of Ahmadinejad and Rouhani, but the activism of these two governments has experienced different approaches in facing the centers of threats. Despite the experience of two different activism in the investigated governments in the field of foreign security policy, the existence and application of structural and practical restrictions of the international system against Iran has always been one of the foci and authorities of Iran's security crisis. And in the practice of adopting different activism, he has not been able to solve it.

Keywords: Foreign policy, Threat centers, Iranian activism, Security policy

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Khatam Al-Anbiya Air Defense University, Tehran, Iran.

Email: anikunahad@gmail.com

2. PhD in Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

Email: hfadavi93@gmail.com

Cite this Paper: Nikunahad, A; Fadavi, H (2025). Iran's foreign and security policy in the Ahmadinejad and Rouhani governments; Iranian threatening centers and authorities. *State Studies of Contemporary Iran*, 3(10), 61–88.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

صص: ۸۸-۶۱

شاپا چاپ: ۱۹۱۴-۲۷۸۳

الکترونیکی: ۱۴۵۰-۲۷۸۳



سیاست خارجی و امنیتی ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و

روحانی؛ نیروها و مراجع تهدیدساز و کنشگری ایرانی

ایوب نیکونهاد^۱ | حبیب اله فدوی^۲ ID

چکیده

تنظیم سیاست امنیتی در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدید ساز خارجی یکی از چالش‌های سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید. سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های مختلف، کنشگری‌های متفاوتی را تجربه کرده است و این کنشگری‌ها تابع ضرورت‌های ساختاری داخلی، رفتار بازیگران در محیط منطقه‌ای، وضعیت نظام بین‌الملل و موقعیت ایران بوده است. برای تبیین مطلوب مسئله لازم است به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که مهم‌ترین کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی ایران در حوزه سیاست خارجی در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ دربرگیرنده چه مسائلی بوده است؟ و در این میان کنشگری ایران به کانون‌های تهدید ساز امنیتی از سوی هر یک از این دولت‌ها چگونه تنظیم شده است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها از روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، گزارش‌ها و یادداشت‌های داخلی و خارجی) پیرامون سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه بعضی از کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی سیاست خارجی در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی دارای اشتراکاتی است اما کنشگری‌های این دو دولت در مواجهه با کانون‌های تهدیدساز، رویکردهای متفاوتی را تجربه کرده است. علیرغم تجربه دو کنشگری متفاوت در دولت‌های موردبررسی در حوزه سیاست خارجی امنیتی، وجود و اعمال محدودیت‌های ساختاری و عملی نظام بین‌المللی علیه ایران همواره یکی از کانون‌ها و مراجع بحران‌ساز امنیتی ایران بوده است و در عمل اتخاذ کنشگری‌های متفاوت نتوانسته است آن را حل و فصل نماید.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، کانون‌های تهدید ساز، کنشگری ایرانی، سیاست امنیتی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص)، تهران، ایران.

Email: anikunahad@gmail.com

۲. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

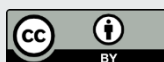
Email: hfadavi93@gmail.com

استناد: نیکونهاد، ایوب؛ فدوی، حبیب اله، (۱۴۰۴). سیاست خارجی و امنیتی ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی؛

نیروها و مراجع تهدیدساز و کنشگری ایرانی، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۳(۱۰)، ۸۸-۶۱.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، غلبه مسائل امنیتی بر دستورکارهای سیاست خارجی دولت‌ها بوده است به عبارت دیگر مشخصه اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ایران بعد از انقلاب، غلبه و جوه سیاست امنیتی بر سایر ابعاد آن بوده است. در کمتر برهه زمانی می‌توان سراغ گرفت که بحران‌های امنیتی منطقه-ای و بین‌المللی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران عملکرد نظام سیاسی و سیاست خارجی آن را تحت الشعاع خود قرار نداده باشد. از جمله مهم‌ترین مسائلی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در سه دهه گذشته به سمت وسوی امنیتی شدن پیش برده است می‌توان به مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه، تهاجم آمریکا و نیروهای ائتلاف بین‌المللی در کشورهای افغانستان و عراق و پیامدهای امنیتی آن برای ایران و منطقه، تهدیدسازی از مسئله هسته‌ای ایران و امنیتی‌سازی آن، اشاعه تروریسم، جنگ‌های نیابتی، وجود دولت‌های ورشکسته و نقش‌یابی بازیگران هویتی با رویکرد تکفیری و... اشاره کرد. در واقع ضرورت‌های تأمین و حفظ امنیت ملی، ایران را مجاب کرده تا همواره با حفظ آمادگی برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، با تأکید بر اصول و مبانی سیاست خارجی تعیین شده، انعطاف‌پذیری‌های لازم را در رویکردهای سیاست خارجی خود به وجود آورد تا زمینه لازم را برای مدیریت بحران‌های انعکاسی و مواجهه با چالش‌های امنیتی فراهم سازد.

از سوی دیگر تغییر رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر و در دولت‌های مختلف، ناشی از تغییر گفتمان دولت‌ها و درک آن‌ها از محیط منطقه‌ای و نظام بین‌المللی بوده است و در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی در حوزه سیاست خارجی هر یک از دولت‌ها به اقتضای مکان و زمان، رویکرد خاص خود را در پیش گرفته است؛ بنابراین سیاست خارجی امنیتی جمهوری اسلامی ایران با درک الزامات و مقتضیات محیط امنیتی داخلی کشور و الگوهای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی با نشانه‌هایی از تغییر دائمی همراه بوده است. به عبارت دیگر سیاست امنیتی در دولت‌های مختلف در برهه زمانی (۱۴۰۰-۱۳۸۴) تابعی از ضرورت‌های ساختاری و الگوی کنش راهبردی ایران در برابر کانون‌ها و مراجع تهدید و اقدامات

تهدید ساز منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. سیاست راهبردی و پایه‌ای ایران در دو دهه اخیر علیرغم تجربه رویکردهای مختلف، عمدتاً به علت اقتضائات و محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از نظام تحریم‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی بر اساس نشانه‌هایی از خودکفایی، خوداتکایی و بازدارندگی شکل گرفته است و هیچ‌گاه نتوانسته است از محدودیت‌های هنجاری، ساختاری و عملی نظام بین‌المللی عبور کند و جنبه عادی به خود بگیرد.

پژوهش پیش‌رو در نظر دارد تا در مرحله اول به بررسی کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های عدالت‌گرای احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴) و اعتدال‌گرای روحانی در بازه زمانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) بپردازد سپس در مرحله دوم واکنش‌های صورت گرفته از سوی هر یک از این دولت‌ها را در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدید ساز شکل گرفته که رویکرد امنیتی دولت‌ها را در حوزه سیاست خارجی تحت تأثیر خود قرار داده است مورد بررسی قرار دهد و در مرحله سوم رویکردهای هر یک از این دولت‌ها را با همدیگر مقایسه کند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای، کتب، مقالات، گزارش‌ها و یادداشت‌های داخلی و خارجی مراجعه شده است.

مبانی نظری پژوهش

الف) الگوی تحلیلی سیاست خارجی امنیتی

محیط امنیتی به عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی دولت‌ها، بر تأمین منافع و امنیت ملی تأثیر می‌گذارد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۰). این محیط، حاصل تعامل فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی است که سیاست‌های امنیتی را شکل می‌دهند. ارزیابی واقع‌بینانه از این محیط، درک صحیحی از روندها و الگوهای مؤثر بر تحقق اهداف ملی ایجاد می‌کند، درحالی‌که غفلت از آن، مخاطرات امنیتی را تشدید می‌نماید. دستیابی به الگوریتم‌های مؤثر سیاست خارجی، مستلزم شناخت تغییرات پویای محیط امنیتی در بازه‌های زمانی مختلف است. تعاریف متعددی از محیط امنیتی ارائه شده است: برخی آن را فضایی می‌دانند که بازیگران با استفاده از قابلیت‌های موجود، نیازهای امنیتی خود را اولویت‌بندی می‌کنند. برخی دیگر با تقسیم محیط به داخلی و خارجی،

کنشگری دولت‌ها را حاصل تعامل متغیرهای این دو محیط می‌دانند (حسن‌پور و شاه‌محمدی، ۱۳۹۵: ۷۷). در تعریفی جامع، محیط امنیتی شامل عوامل عینی-جغرافیایی، ذهنی-روانی، انسانی/غیرانسانی و ملموس/ناملموس است که به دلیل پویایی مداوم، بر ساختارها، استراتژی‌ها و تصمیم‌های کنشگران تأثیر گذاشته و متقابلاً از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. این تعاملات، تهدیدها و فرصت‌های جدیدی ایجاد می‌کند که کنشگران را به اتخاذ تصمیم‌هایی برای کاهش تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها وامی‌دارد. بر این اساس، محیط امنیتی دارای چهار مؤلفه اصلی با شاخص‌های مشخص است که در جدول زیر ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱. الگوی محیط امنیتی در سیاست خارجی - با دخل و تصرف از (آقایی و نورعلی وند، ۱۳۹۸: ۱۳-۳).

الگوی محیط امنیتی در سیاست خارجی			
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	
رویدادها و تحولات در حال وقوع در محیط امنیتی یک بازیگر (تغییر و تحول در منابع طبیعی و انسانی، تغییر در مرزهای داخلی و خارجی آن، ظهور و سقوط دولت‌ها و کنشگران غیردولتی پیرامون آن، جنگ‌ها، وقایع تروریستی، منازعات و بحران‌های موجود در محیط داخلی و پیرامونی، تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، مهاجرت، فروپاشی نهادهای داخلی و سازمان‌های بین‌المللی و ...).	رویدادها	بعد محیطی	محیط امنیتی در سیاست‌گذاری خارجی
معطوف به محیط ذهنی و روانی افکار عمومی و تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کنشگر امنیتی است. (قدرت نرم دولت‌ها و نتیجه دریافت‌های ذهنی و روانی مردم و رهبران آن جامعه از محیط عینی داخلی و خارجی جامعه خود یا همان محیط امنیتی پنهان درون ذهنیت بازیگران است که متأثر از دو عنصر منافع و انگیزه آن‌هاست. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۸).	ذهنیت		
دربرگیرنده مرزهای ملی، گستره جغرافیایی و منابع سرزمینی، نظام حکومتی و نهادهای حاکم بر سرزمین ملی، جمعیت و ملیت، ارزش‌ها و فرهنگ ملی و ... است.	ویژگی‌ها	سطح امنیتی	

الگوی محیط امنیتی در سیاست خارجی			
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	
تحولات و رویدادهای ورای مرزهای ملی (دولت‌ها و روابط میان آن‌ها، بازیگران غیردولتی، اتحادیه‌ها و پیمان‌های بین-المللی، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی بحران‌ها منطقه‌ای و بین‌المللی و...).	محیط منطقه‌ای و بین‌المللی		
امنیت سخت یا نظامی (محدود کردن امنیت در محدوده توانایی‌های نظامی، برقراری صلح پس از جنگ، دفع تجاوز خارجی، حفظ استقلال ملی)	تک‌بعدی موضوع امنیت	بعد موضوعی محیط امنیتی	
گسترده بودن موضوع امنیت (امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی - فرهنگی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت فضایی، امنیت سایبری، امنیت نظامی، امنیت فناورانه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی) (بوزان، ۱۳۸۸: ۳۰۹)	چندبعدی بودن موضوع امنیت		
دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی نظام بین‌الملل (بر اساس میزان قدرت به ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای و دولت‌های کوچک).	کنشگران دولتی	بعد کنشگران امنیتی	
سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، شرکت‌ها و نهادهای مالی چندملیتی و فراملیتی، سازمان‌های جامعه مدنی، کارتل‌های نظامی، گروه‌های تروریستی و ... (Gerard Ruggie, 2004: 509)	کنشگران غیردولتی		

ب) سنجش اصول ناظر بر سیاست‌گذاری خارجی امنیتی

عموماً تنظیم و تدوین سیاست امنیتی بر اساس اصول و مبناهایی است که طراحان این نوع سیاست در تنظیم سیاست امنیتی کشورها آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهند. در ادبیات روابط بین‌الملل، مدل‌های مختلفی برای تحلیل سیاست خارجی و امنیتی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به الگوی عقلایی (بازیگر خردمند)، الگوی سازمانی، الگوی بوروکراتیک، الگوی شناختی، تفکر

ارزشی و ... اشاره کرد. (خوشوقت، ۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۲۰). این پژوهش با ترکیب الگوهای تصمیم‌گیری، کنشگری دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی را بررسی می‌کند و پنج اصل کلیدی را برمی‌شمرد: قابلیت عملیاتی، دوراندیشی، هماهنگی و سازگاری، انطباق‌پذیری و چند راستایی. اصل قابلیت عملیاتی بر تدوین سیاست‌های واقع‌گرایانه با توجه به ظرفیت‌های ملی و پرهیز از بلندپروازی تأکید دارد. در این الگو، تصمیمات دولت‌ها هدفمند و مبتنی بر محاسبه سود و زیان است که مستلزم عقلانیت، واقع‌گرایی و شناخت دقیق محیط کنشگری است (موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷). اصل دوراندیشی لزوم پیش‌بینی تأثیرات بلندمدت سیاست‌ها را برجسته می‌کند. سیاست‌گذاران باید روندهای جهانی، شرایط منطقه‌ای و نیازهای ملی را با سناریوسازی تحلیل کنند. غفلت از این اصل می‌تواند به عواقب سنگین در سیاست خارجی بیانجامد (اکبر نژاد و چشمک، ۱۳۹۹: ۱۹۷). اصل هماهنگی و سازگاری بر همکاری نهادهای مرتبط در فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد. تصمیمات در الگوی بوروکراتیک، بازده فرآیندهای سازمانی‌اند و نیازمند هماهنگی بین دستگاه‌هاست. نبود این هماهنگی، سیاست امنیتی را با چالش مواجه می‌کند (اسنایدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۳۹). اصل انطباق‌پذیری، ضرورت تطبیق سیاست‌ها با اسناد بالادستی (مانند قوانین اساسی و سند چشم‌انداز) و شرایط متغیر را بیان می‌کند. انعطاف‌پذیری در اجرا و توجه به الزامات زمانی-مکانی، بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش مخاطرات را ممکن می‌سازد (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۹: ۳۶-۴۲) اصل چند راستایی بر درهم‌تنیدگی حوزه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی) در سیاست‌گذاری امنیتی تأکید دارد. برای مثال، سیاست «خوداتکایی» باید هم‌زمان ظرفیت‌های صنعتی-اقتصادی را مدنظر قرار دهد. این اصل نشان‌دهنده نیاز به رویکرد کلان و یکپارچه در تدوین سیاست‌هاست. این اصول به‌عنوان چارچوبی تحلیلی، امکان بررسی تطبیقی سیاست‌های دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی را فراهم می‌کند. ترکیب الگوهای عقلایی، سازمانی و شناختی، درک جامعی از نحوه تأثیرگذاری ظرفیت‌های داخلی، الزامات محیطی و تعامل نهادها بر تصمیمات امنیتی ارائه می‌دهد. رعایت این اصول، تدوین سیاست‌های منسجم، عملیاتی و کم‌هزینه را در پی دارد، درحالی‌که غفلت از آن‌ها به تضادها و ناکارآمدی‌های راهبردی می‌انجامد.

پیشینه پژوهش

بررسی متون موجود در حوزه سیاست خارجی امنیتی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که با وجود آنکه در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آثار متعددی وجود دارد و به نوعی با تکثر آثار علمی مواجهه هستیم اما در حوزه مطالعات امنیتی مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آثار علمی در دسترس اندک بوده و در حوزه سیاست خارجی امنیتی مقایسه‌ای در دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اثر درخور توجه‌ای به نگارش در نیامده است. در جدول زیر به بررسی تعدادی از آن‌ها پرداخته شده است.

جدول شماره ۲. بررسی پیشینه‌های پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	جعفری و ذوالفقاری (۱۳۹۳)	تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مطالعات امنیتی: تهدیدات کنونی و چشم‌اندازهای آینده	توصیفی - تحلیلی	تعدیل و اصلاح تصویر تهدید ساز و تنش‌زا بودن ایران در عرصه بین‌المللی با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز
۲	قریشی (۱۳۹۵)	امنیتی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	توصیفی - تحلیلی	بررسی علل امنیتی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۳	آقایی و نورعلی‌وند (۱۳۹۸)	محیط امنیتی و سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی: ارائه یک الگوی تحلیلی	مدل‌سازی کیفی	ارائه یک چارچوب نظری برای محیط امنیتی در سیاست خارجی و امنیتی
۴	منطقی فسایی و جهانگیری (۱۴۰۰)	واکاوی تهدیدات امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران و تأثیرات آن بر	روش تحلیل سلسله‌مراتبی	اولویت داشتن تهدیدات نظامی و اطلاعاتی در محیط داخلی و منطقه‌ای در امنیت ملی و سیاست

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
		سیاست‌گذاری عمومی		خارجی
۵	کریمی‌نژاد و هادی پور (۱۴۰۳)	ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی بر مبنای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲- ۱۴۰۰)	توصیفی - تحلیلی	تک‌بعدی بودن و تمرکز زیاد بر مذاکرات هسته‌ای و عدم موازنه‌بخشی موفق (موازنه ناکافی) در سطوح داخلی و خارجی، عدم موفقیت در تامین اهداف و منافع ملی ج.ا.ایران
۶	آقا محمدی و همکاران (۱۴۰۲)	طراحی الگوی راهبردی تامین امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	تحلیل محتوای کیفی و اکتشافی	ارائه الگوی راهبردی تامین امنیت ملی در سیاست خارجی با بهره‌گیری از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری «مدظله - العالی»، اسناد بالادستی، تجربیات گذشته و نیز تجربیات سایر کشورها
۷	نیکونهاد و بیوک (۱۴۰۲)	آینده‌پژوهی تهدیدات نوظهور سیاست خارجی در خاورمیانه و تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	اکتشافی و آینده پژوهانه (پیمایش محیطی، پیشران شناسی)	مهم‌ترین تهدیدات نوظهور حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تضعیف نظم رئالیستی امنیت محور، دولت‌های شکستنده و زمان پریش منطقه، بهره‌گیری

مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	عنوان پژوهش	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	ردیف
بازیگران رسمی و غیررسمی از بیوتروویسم، منازعات هیدروپلیتیکی و...				

وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های هم‌راستا را می‌توان اولاً در مقایسه سیاست خارجی امنیتی دو دولت (عدالت‌گرا و اعتدال) با رویکردهای مختلف و در ثانی بهره‌گیری از چارچوب نظری محیط امنیتی برای تطبیق کانون‌ها و مراجع تهدیدساز و مشخص کردن معیارهایی برای سنجش کنش‌گری‌های آن‌ها به شمار آورد.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش تطبیقی از نوع کیفی است و از ابزار پیمایش متون، مقالات، کتب و گزارش‌های مکتوب و اینترنتی برای گردآوری داده‌ها در خصوص سیاست خارجی و امنیتی دولت‌های احمدی‌نژاد و حسن روحانی استفاده شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات و فیش‌برداری از آن‌ها، کانون‌های تهدیدساز امنیتی در سیاست خارجی دولت‌های یادشده مشخص گردیده است. در مرحله بعد با تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها، کنشگری آن‌ها در خصوص کانون‌های تهدیدساز مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله پایانی بر پایه چارچوب نظری ترسیم‌شده، کنش‌گری‌های دو دولت به کمک پرسشنامه خبرگانی و با مراجعه به تعداد ۹ نفر از خبرگان حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل که دارای مدرک دکتری تخصصی و صاحب‌نظر در حوزه سیاست خارجی بوده و دارای تألیفات مکتوب در این حوزه بوده‌اند از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند تطبیق داده شده است

یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش سعی شده است تا در مرحله اول مراجع و کانون‌های تهدید ساز امنیتی در دولت‌های عدالت‌گرای احمدی‌نژاد و اعتدال حسن روحانی در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۴ تبیین شود و در ادامه راهبردها و واکنش‌های دولت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱) دولت عدالت‌گرای احمدی‌نژاد

الف) کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد

بر اساس شواهد و قرائن موجود شاید بتوان گفت که امنیتی‌ترین برهه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقطع زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۴ در دولت‌های نهم و دهم رقم خورده است. اولین، مهم‌ترین و برجسته‌ترین تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد «مسئله هسته‌ای ایران» بود و رفتار و موضع‌گیری‌های دولت وقت در داخل آن را به یک مسئله حیثیتی و در عرصه سیاست خارجی به یک مسئله پرهزینه و البته امنیتی با تبعات بسیار زیاد تبدیل کرده بود. پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نهم در سال ۱۳۸۴ و تغییر گفتمان حاکمیتی در داخل، مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هم تحت تأثیر قرار گرفت و از آنجایی که زمان انقضای تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای رسیده بود از ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۸۴ تصمیم خود را برای از سرگیری غنی‌سازی در تأسیسات هسته‌ای اصفهان و سایر مراکز هسته‌ای به اطلاع آژانس انرژی اتمی رساند. پس از شکست مذاکرات ایران با آژانس انرژی اتمی و طرف‌های اروپایی، در ۱۵ بهمن‌ماه سال ۱۳۸۴ پرونده هسته‌ای ایران با ۲۷ رأی مثبت، ۳ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از آژانس خارج و به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد. پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت. از مرداد ۱۳۸۵ تا خرداد ۱۳۸۹، هفت قطعنامه تحریمی از جمله قطعنامه ۱۹۲۹ (تحریم‌های فلج‌کننده) علیه ایران صادر شد. احمدی‌نژاد این قطعنامه‌ها را «کاغذ پاره» خواند و اجرای آن‌ها را الزام‌آور ندانست. (موسویان، ۱۳۹۴: ۳۰-۵۲). علیرغم مذاکرات متعدد، توافقی حاصل نشد و تحریم‌ها پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی شدیدی بر مدیریت کلان کشور تحمیل کرد که سیاست خارجی دولت را به سمت امنیتی سازی هرچه بیشتر سوق داد.

دومین عامل تأثیرگذار بر سیاست امنیتی ایران در دولت عدالت خواه انکار هولوکاست توسط رئیس‌جمهور وقت در نهادهای بین‌المللی بود. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۷) احمدی‌نژاد با اشاره به تناقض‌ها در آمار کشته‌شدگان یهودی (از ۶ تا ۶۰ میلیون) و نبود جمعیت متناسب یهودیان در اروپا، هولوکاست را «افسانه» خواند و آن را ابزاری برای سوءاستفاده صهیونیست‌ها معرفی کرد. گرچه ادعاهای احمدی‌نژاد در این خصوص منطبق با واقعیت بود اما اتخاذ این موضع‌گیری در کنفرانس دوربان ۲، با واکنش تند اروپا و نهادهای جهانی مواجه شد و تصویری تهاجمی از سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل ایجاد کرد. از سوی دیگر، برگزاری سمینارهای «جهان بدون صهیونیسم» توسط وزارت خارجه که حذف رژیم صهیونیستی را از طریق نیروی نظامی تداعی می‌کرد، به تصویرسازی غرب از ایران به عنوان «تهدیدکننده صلح جهانی» دامن زد. این اقدامات حتی موجب لغو سفر کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل، به تهران در اعتراض به گفتمان ضد صهیونیستی ایران شد. (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۰۵-۲۰۶) این مسئله سبب شده بود تا درک بازیگران نظام بین‌المللی از سیاست خارجی ایران در این مقطع یک درک غیرسازنده و مبتنی بر رویکرد تهاجمی شود.

سومین کانون و مرجع تهدید ساز امنیتی دولت عدالت‌گرای احمدی‌نژاد، طرح اندیشه‌های ساختارشکن و بنیان افکن در افق فکری رئیس‌جمهور وقت بود. نظام جهانی قوام‌یافته که حاصل قرائت‌های اروپامدارانه روابط بین‌الملل بعد از قرارداد وستفالیایی است بیش از سه سده است که بر نظام بین‌المللی کنونی چنبره انداخته و در قالب ساختارسازی‌ها و نهادسازی‌های بین‌المللی خود را تثبیت کرده است. (نیکونهاد، ۱۴۰۱: ۳۴-۳۰) در حالی که در روابط بین‌الملل «دولت‌ها» بازیگر اصلی نظم بین‌المللی به شمار می‌روند اما دولت احمدی‌نژاد در تعاملات سیاسی خود عموماً «ملت-ها» را به جای دولت‌ها مخاطب قرار می‌داد و هیچ‌گونه اصالتی برای دولت‌ها قائل نبود. به همین دلیل مفروض قرارداددن ملت‌ها به عنوان بازیگر اصلی نظم جهانی بود که این دولت از اتخاذ رویکردهای تعاملی و سازش‌کارانه در تعامل با سایر واحدهای سیاسی خود را بی‌نیاز می‌دید و با به کار بردن کلیدواژه «ملت‌ها» به صورت مکرر در ادبیات رئیس‌جمهور وقت در جستجوی تغییر وضع موجود و نظام حاکم بر دنیا بود که در آن ملت‌ها به جای دولت‌ها به عنوان صحنه‌گردان مسائل جهانی زمام امور را در دست بگیرند. ایده «مدیریت جهانی» شخص احمدی‌نژاد و تعریف

رسالت برای ملت ایران در این فرایند ناشی از این برداشت‌های غیرمنطقی و ناصواب از ساختار نظام بین‌الملل بود و شخص رئیس‌جمهور وقت در این میان خود را در قواره منجی فرض کرده بود که لازم می‌دید از طریق نصیحت‌های خیرخواهانه بسته‌های هنجاری و ارزشی به سران کشورهای غربی در قالب نامه‌نگاری مرسوم در آن دولت ارائه نماید. طرح تفکرات ساختارشکنانه، تجدیدنظرطلب و تغییر خواه که هیچ انطباقی با عالم واقعیت و سیاست بین‌الملل نداشت سبب شده بود تا از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور چالشگر و ضد سیستمی در دنیا و حتی در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یاد شود. این تصویرسازی غلط بیش از هر بحرانی بر حوزه امنیتی شدن کنشگری جمهوری اسلامی ایران کمک کرده بود.

چهارمین کانون و مرجع تهدید ساز امنیتی مهم جمهوری اسلامی ایران در دولت عدالت‌گرای احمدی‌نژاد، مسئله وقوع قیام‌های عربی یا به تعبیر برخی دیگر بیداری اسلامی در جهان عرب بود که با ظهور و بروز تروریسم تکفیری در سایه حضور دولت‌های ورشکسته در این مقطع زمانی مخاطرات امنیتی بسیار زیادی برای کشورهای خاورمیانه و از جمله جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده بود.

ب) کنشگری دولت عدالت‌گرا در برابر تهدیدات امنیتی خارجی

اولین و مهم‌ترین اصل کلی در کنشگری دولت احمدی‌نژاد در عرصه سیاست خارجی در مواجهه به کانون‌ها و مراجع تهدید ساز را می‌توان «اتخاذ استراتژی مقابله‌جویانه در قالب کنشگری ضد هژمون‌گرایی» به شمار آورد. از دیدگاه دولت‌های نهم و دهم، نظام بین‌الملل مبتنی بر دوگانه ستمگر/ستم دیده و قرائتی اروپا محور پس از معاهده وستفالی (۱۶۴۸) و جنگ‌های جهانی بود که به باور آنان، بر پایه بی‌عدالتی استوار شده است. این دوره به‌عنوان نقطه عطفی در دیپلماسی ایران شناخته می‌شود، چرا که گفتمان احمدی‌نژاد با تمرکز بر دال‌های مرکزی مانند ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و نقد ریشه‌های نظم جهانی، هویت ایدئولوژیک غیرقابل تغییر جمهوری اسلامی را بازتعریف کرد. این مفاهیم اگرچه پیش‌تر نیز وجود داشتند، اما در این مقطع به بازنگری ایدئولوژیک در جهت‌گیری سیاست خارجی انجامیدند (علیپوریان و نوری اصل، ۱۳۹۳: ۹۴-۹۵). تغییر رویکرد یادشده تحت تأثیر دو عامل شکل‌گرفت: نخست، نگرانی نخبگان حاکم و جامعه داخلی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز غرب و دوم، جایگزینی «الگوی مقاومت فعال» به‌جای

رویکردهای پیشین (متقی و جمالی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۱). با حاکمیت این گفتمان هم در بُعد اهداف، آرمان‌ها و عرصه‌های گفتمانی و هم در عرصه عمل، رویکردهای مبارزه طلبانه و تهاجمی بر سیاست خارجی ایران حاکم شد (منصوری مقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸۶-۲۸۴). احمدی‌نژاد با تأکید بر پیوند مؤلفه‌های داخلی و خارجی، استراتژی امنیتی خود را در داخل بر «بسیج طبقات فرودست» متمرکز کرد که هدف آن، کاهش شکاف طبقاتی از طریق سیاست‌های توده‌گرایانه مانند توزیع یارانه‌ها و سهام عدالت بود تا تاب‌آوری جامعه در برابر تهدیدات آمریکا افزایش یابد (قادری و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶-۴۸). فشارهای بین‌المللی آمریکا، از جمله تحریم‌های شورای امنیت در دوره دوم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد (۱۳۸۸-۱۳۹۲)، این رویکرد را با چالش مواجه کرد.

دومین استراتژی کنشگری دولت احمدی‌نژاد در برابر کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی در سیاست خارجی، پیگیری استراتژی «جهان سوم‌گرایی» در قالب سیاست «نگاه به شرق» پس از تنش و ناکامی در روابط با کشورهای غربی بر سر مسئله هسته‌ای ایران و افزایش تنش میان ایران و آمریکا بود. در واقع سیاست نگاه به شرق که در دولت احمدی‌نژاد پیگیری می‌شد نوعی بازتعریف و تجدیدنظر در روابط با غرب بود که در دوره اصلاحات پیگیری شده بود. (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۸۰) از سوی دیگر می‌توان گفت که آلترناتیو دولت احمدی‌نژاد برای اتخاذ رویکرد ضد هژمون‌گرایی و تقابل جویانه با نظام بین‌الملل اتخاذ سیاست جهان سوم‌گرایی با بهره‌گیری از گزاره کلیدی که «جهان نیازمند تحولات کلیدی به نفع همه ملت‌هاست» بود؛ بنابراین دولت ایشان در پیگیری این سیاست راهبرد خود را بر اساس سیاست نگاه به شرق و ائتلاف جنوب-جنوب قرار داده بود. در چارچوب سیاست نگاه به شرق، ایران همواره در تلاش بوده تا یک ائتلاف استراتژیک با قدرت‌های شرقی به‌ویژه چین و روسیه ایجاد نماید و با پیوستن و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای برجسته همانند شانگهای، اکو، دی هشت، سازمان همکاری اقیانوس هند و... از ظرفیت‌های آن‌ها به نفع خود استفاده نماید. (صادقیان و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۴). در ائتلاف جنوب-جنوب، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد تا با ایجاد یک محور ضد سلطه از طریق توسعه ائتلاف جنوب-جنوب به کشورهای آمریکای لاتین همچون ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی و سایر کشورهایی که جهت‌گیری ضد امپریالیستی دارند، بتواند از یک طرف تأثیرگذاری تهدیدات سیاسی-امنیتی و تحریم مای اقتصادی غرب را علیه ایران

کاهش دهد و از طرف دیگر به لحاظ ژئوپلیتیک در حیاط خلوت ایالات متحده، صاحب نفوذ استراتژیک شود. (ذوالفقاری و زینی وند، ۱۳۹۷: ۸۰-۷۹).

سومین استراتژی کنشگری دولت احمدی‌نژاد در برابر کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی در سیاست خارجی را می‌توان «کاهش سطح انعطاف‌پذیری» و اتخاذ سیاست «مقاومت مؤثر در سیاست خارجی» به‌عنوان واکنشی به سیاست‌های تحریمی غرب به شمار آورد. شاید بتوان گفت که کاهش سطح انعطاف‌پذیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره ارتباط مستقیمی با رویکردهای سیاست خارجی تهاجم‌گرایانه غرب در دوره دوم ریاست جمهوری «جورج بوش» و دوره اول ریاست جمهوری «باراک اوباما» نسبت به ایران داشته و زمینه‌ای را برای رادیکالیزه شدن سیاست خارجی دولت وقت فراهم کرده بود و سیاست خارجی ایران نیز به‌ویژه در دوره اول ریاست جمهوری احمدی‌نژاد از سطح انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار شد. (متقی، جمالی پور، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۲). به‌عنوان مثال، ایران در واکنش به سیاست تهاجمی غرب در حوزه رفتار هسته‌ای، پلمپ تأسیسات هسته‌ای خود را شکست و به دو سال تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم پایان داد. یا مورد دیگر اینکه، متعاقب تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی ۵+۱، ایران تصمیم گرفت تا مذاکرات هسته‌ای خود را با ۵+۱ به تأخیر بیندازد. این تصمیم بعد از آن اتخاذ شد که کشورهای غربی با صدور چهارمین قطعنامه ضد ایرانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد (قطعنامه ۱۹۲۹)، به تعمیق شرایط تنش‌زا افزودند. در آذرماه ۱۳۸۸، به دنبال تصویب قطعنامه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران مبنی بر توقف ساخت تأسیسات هسته‌ای محرمانه در فردو قم، تهران بلافاصله تصمیم گرفت تا ۱۰ تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جهت پاسخ به قطعنامه مذکور بسازد. مورد بعد اینکه در بهمن ۱۳۹۰ ایران فروش نفت خام به بریتانیا و فرانسه را ممنوع کرد تا بدین ترتیب اقدامی پیش‌دستانه را در مقابل تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا مبنی بر ممنوعیت واردات نفت از ایران انجام داده باشد. (محمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۹۱-۱۹۳).

چهارمین سومین استراتژی کنشگری دولت احمدی‌نژاد در برابر کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی در سیاست خارجی را می‌توان گرایش به سمت وسوی امت‌گرایی اسلامی با پذیرش قاعده «برتری گفتمان امت‌گرایی بر ملت‌گرایی» برای کاهش توان بازیگران تهدیدساز به‌ویژه در مسائل و بحران‌های منطقه‌ای بود. در گفتمان اصول‌گرایی، انقلاب اسلامی، فقط یک انقلاب ملی نیست، بلکه

دارای ماهیتی فراملی و فرامرزی و مهم‌ترین ویژگی آن نیز اسلامی بودن آن است، ویژگی‌ای که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد. استلزام منطقی چنین روایت از انقلاب، این است که اولین و اساسی‌ترین علت وجودی و هدف حصولی انقلاب، اسلام‌خواهی در داخل و خارج از کشور است. در عرصه بین‌المللی نیز انگیزه و هدف اولیه انقلاب، گسترش ارزش‌های آن در دنیا برای ایجاد یک جامعه جهانی اسلامی و استقرار نظم اسلامی از طریق انقلاب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۲).

دولت اعتدال حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

الف) مهم‌ترین کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی در دولت اعتدال

در تحلیل کانون‌های تهدید ساز امنیتی دولت اعتدال حسن روحانی، مسئله هسته‌ای کماکان به‌عنوان محوری‌ترین چالش امنیتی برجسته محسوب می‌شود. رویکرد دولت روحانی حل بحران هسته‌ای از طریق دیپلماسی و با تکیه بر تجربه سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ شمسی بود که به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت در دولت اصلاحات عهده‌دار مذاکرات با تروئیکای اروپایی بود که نتیجه آن توقیف داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای در جهت اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌ها و اعتمادسازی برای غربی‌ها بود. از ابتدای تشکیل دولت یازدهم نیز، رئیس وقت دولت با ادعای از بین بردن سایه جنگ بر سر کشور- ذیل منشور هفتم ملل متحد- مذاکرات فراگیری با کشورهای اروپایی و آمریکا با محوریت وزارت امور خارجه آغاز کرد که پس از دو سال مذاکره سرانجام در ۲۴ تیرماه ۱۳۹۴ توافقنامه برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام منعقد گردید. علیرغم پایبندی ایران به توافقنامه و اجرای کامل آن در طی بازه زمانی دوساله، با تغییر دولت در کاخ سفید و روی کار آمدن دونالد ترامپ مسیر توافقنامه برجام به کلی تغییر کرد و در تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ طی یک فرمان رسمی، آمریکا از برجام خارج شد و این مسئله به‌نوبه خود به یک کانون و مرجع تهدید ساز امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده بود.

ترامپ به این موضوع واقف بود که ایران واکنش پردامنه‌ای در برابر سیاست امنیتی آمریکا در خصوص خروج از برجام به انجام نخواهد رساند بنابراین محور سیاست خود در برابر ایران را اعاده تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در فضای پسابرجام قرار داده بود در مقابل خروج ترامپ از برجام، سیاست خارجی دولت روحانی معطوف به تداوم همکاری‌ها در چارچوب «راهبرد مماشات» بود.

درحالی‌که راهبرد مماشات در کوتاه‌مدت نمی‌تواند برخی از تهدیدات را کاهش دهد «در راهبرد مماشات دولتی که در معرض تهدید قرار گرفته است، امتیازاتی به تجاوزگر می‌دهد که توازن قدرت را تغییر دهد. مماشات کننده معمولاً می‌پذیرد که همه یا بخشی از قلمرو بازیگر ثالثی را تسلیم دشمن قدرتمندش کند. هدف از این اقدام، تعدیل رفتار تجاوزگر است. سوق دادن تجاوزگر به سمتی مسالمت‌جویانه‌تر و احتمالاً تبدیل آن به یک قدرت هوادار وضع موجود، کار دشواری است» (Posen, 2024:112).

دومین مرجع و کانون تهدید ساز امنیتی ایران در دوره روحانی را می‌توان مربوط به افزایش سطح تهدیدات ژئوپلیتیکی ایران دانست. در این برهه زمانی ذیل اعمال سیاست فشار حداکثری آمریکایی‌ها، سیاست «توازن منطقه‌ای / موازنه سازی منطقه‌ای» با چالش‌های امنیتی بسیاری روبرو شده بود. اگر توازن راهبردی در فضای کنش متقابل بازیگران شکل نگیرد، تأمین منافع و امنیت ملی مشکل خواهد بود. (Maloney, 2023:92) واقعیت آن است که اتخاذ راهبرد مماشات در مقابل خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها و متهم شدن دولت وقت به بی‌عملگی توانسته بود طیف وسیعی از مخاطرات امنیتی امریکا علیه ایران را در فضای پس‌برجام به وجود آورد که از جمله آن‌ها افزایش سطح تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بود پیشبرد سیاست جنگ‌های نیابتی از سوی کشورهای منطقه با محوریت عربستان سعودی علیه متحدین ایران و وعده کشاندن ناامنی‌ها به جغرافیای ایران از سوی عربستان سعودی به علت برهم خوردن موازنه قدرت در این برهه زمانی بود به گونه‌ای که بسیاری از کشورهای جزیره‌ای حاشیه خلیج فارس نیز مدعی رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی با جمهوری اسلامی ایران شده بودند.

سومین کانون و مرجع تهدید ساز امنیتی فراروی دولت روحانی، بحران‌های منطقه‌ای بود که از سال ۲۰۱۱ منطقه خاورمیانه را درنوردیده و بسیاری از کشورهای منطقه را درگیر خودساخته بود. کشورهای منطقه‌ای برای مهار قیام‌های عربی و مصون ماندن از پیامدهای آن، به گونه تدریجی سطح روابط خود با ایالات متحده را ارتقاء داده بودند که این امر، زمینه ظهور همکاری‌های جدید در روابط کشورهای منطقه‌ای با اسرائیل را فراهم آورده بود. در مقابل کشورهای عرب منطقه، سطح روابط خود با ایران را کاهش داده و درازای آن به کنش تعاملی با اسرائیل و امریکا مبادرت نمودند. عربستان سعودی به عنوان محور اصلی ایجاد بحران برای حوزه امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران در دوران دولت روحانی محسوب می‌شد. اگرچه دولت روحانی تلاش نمود تا زمینه عادی‌سازی و بازسازی روابط همکاری جویانه دو کشور را به وجود آورد اما عربستان در این دوران - بعد از وقوع حادثه برای سفارت این کشور در تهران در سال ۱۳۹۴- همواره از سازوکارهای گسترش بحران با ایران بهره می‌گرفت. سایر بحران‌های منطقه‌ای همانند سوریه، بحران یمن، گسترش گروه‌های سلفی-تکفیری در جغرافیای عراق و سوریه، بحران دوم قره‌باغ و... نیز سیاست خارجی امنیتی ایران را در این دوران تحت اشعاع خود قرار داده بودند.

ب) کنشگری دولت اعتدال در برابر تهدیدات امنیتی خارجی

اولین اصل کلی حاکم بر کنشگری سیاست خارجی دولت اعتدال روحانی در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی را می‌توان تحت عنوان «سیاست خارجی توسعه‌گرا» با در نظر گرفتن اصل «تعامل سازنده با جهان و چندجانبه‌گرایی» دانست. بر اساس چنین انگاره‌ای، محور اصلی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی دولت از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه انتقال داده شد و نقش وزارت امور خارجه و نهادهای بوروکراتیک در روند امنیت‌سازی منطقه‌ای در دوران روحانی به گونه مشهودی افزایش یافت. (محمودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۶۵). مدعای طرفداران این نظریه در عرصه سیاست خارجی، بهبود چهره و تصویر ایران در افکار عمومی غرب، اعتمادسازی و کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی، دوری از درگیری‌ها و تنش‌زدایی، تحول هویتی و اجماع‌نخبگان و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. (خسروی باب اناری، ۱۳۹۶: ۴۹-۴۸).

با قرار گرفتن دال مرکزی تعامل در گفتمان روابط سازنده با دنیا از منظر اعتدال‌گرایان، کنش گفتاری با رویکرد مثبت و سازنده در جهت بازسازی چهره ایران و شکست اجماع ضد ایرانی غرب علیه ایران در عرصه بین‌المللی در دستور کار نخبگان فکری و ابزاری قرار گرفت (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۴۳) بر همین اساس نحوه مواجهه با غرب در پرتو حل و فصل برنامه هسته‌ای تبدیل به مهم‌ترین و فوری‌ترین اولویت روحانی در عرصه سیاست خارجی شد که ذیل خود دو عنصر رابطه با آمریکا از یک طرف و چانه‌زنی بر سر برنامه هسته‌ای از طرف دیگر را در برمی‌گرفت. از این رو امضاء برجام، به‌عنوان مهم‌ترین وجهه سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی دولت روحانی مشهور شد که اوج این هیاهوهای سیاسی تعامل سازنده و سیاست خارجی

توسعه‌گرا در دوره اول دولت روحانی (دولت یازدهم) بود؛ اما اتفاقات بعدی به‌ویژه خروج آمریکا از برجام، نه تنها منجر به تحکیم قدرت مخالفان این گفتمان نشد، بلکه این گفتمان را به‌عنوان یک پروژه و راهبردی شکست‌خورده در عرصه سیاست خارجی برجسته کرد و با وجود ناکامی دولت روحانی در پیگیری این استراتژی، اما کماکان تا پایان دولت این سیاست از سوی دولت وی پیگیری شد. متولیان سیاست خارجی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بدون توجه به محدودیت‌های نظری، ساختاری و عملی ایران در مواجهه با نظام بین‌الملل و با ساده‌سازی این چالش‌ها بر این باور بودند که باید از ظرفیت‌های موجود در نظام بین‌الملل به‌منظور تحصیل هر چه بیشتر منافع ملی در عرصه جهانی و در جهت خنثی‌سازی کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی بهره‌برداری کرد. (بلوکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). در گفتمان دولت وقت و هسته اصلی سیاست‌گذار سیاست خارجی آن، اصل مذاکره، فارغ از هرگونه دستاورد و نتیجه ملموس در راستای تأمین منافع ملی کشور، برای آن‌ها یک موفقیت به‌شمار می‌آمد و با تاختن به سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد که از آن به بازی با حاصل جمع صفر یاد می‌شد با ادعای بازی برد-برد به مذاکرات چندجانبه روی آوردند. (صباغیان، احمد بیگی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

دومین راهبرد و استراتژی دولت اعتدال در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی خارجی، «موازنه‌سازی راهبردی منطقه‌ای» بود. (هژیر سرور و دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۱: ۱۰۴-۱۰۲) هم‌زمان با تحولات و قیام‌های عربی، نظم امنیتی منطقه خاورمیانه در یک وضعیت شکننده و بی‌ثبات قرار گرفته بود. دولت‌های عربی منطقه برای بقاء و مصون ماندن از پیامدهای قیام‌های عربی به آمریکا و محور غربی نزدیک شده بودند و تحت فشار آمریکا زمره‌های پیوستن به معاهده قرن و پیمان ابراهیم در جهت عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل در منطقه شکل گرفته بود. جمهوری اسلامی ایران ناگزیر بود برای غلبه بر تحولات جدیدی که در منطقه خاورمیانه و در مجموعه امنیتی خلیج فارس و شامات به وقوع پیوسته بود سیاست امنیتی خود را تنظیم نماید. در این دوران سیاست خارجی ایران ماهیت دوشاخه‌ای پیدا نمود و هر یک تلاش داشت تا اهداف و برنامه‌های خود در حوزه سیاست خارجی را پیگیری نماید. وزارت امور خارجه به‌موازات نیروی قدس محور اصلی سیاست خارجی، راهبردی و امنیت منطقه‌ای ایران در حوزه جنوب غرب آسیا برای غلبه بر تحولات جدید را منعکس می‌ساخت. گرچه سیاست امنیتی دولت روحانی بر کاهش نقش

منطقه‌ای ایران قرار داشت اما بحران ظهور داعش و به تبع آن آشفتگی در مجموعه امنیت منطقه‌ای، چالش‌های امنیتی ایران در دوران روحانی را افزایش داد. تنها راه کار پیش‌روی دولت وقت بهره‌گیری از ظرفیت میدان نظامی در کنار بهره‌گیری از دیپلماسی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود تا موازنه قدرت در حال از دست رفتن به وضعیت اولیه خود برگرداند.

سومین راهبرد و استراتژی دولت اعتدال در برابر کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی خارجی، روی آوردن به سیاست «همکاری‌های عمل‌گرایانه و تاکتیکی» با برخی از قدرت‌های جهانی همانند روسیه در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای بود. در طی دهه‌های قبل صرفاً همکاری‌های دفاعی و راهبردی، ابتکار عمل همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با روسیه را شکل می‌داد اما در اواسط دهه ۹۰ شمسی روندهای سیاسی-امنیتی در حوزه همکاری‌های ایران و روسیه برجسته‌تر شده است. بحران سوریه نقطه پیوند منافع مشترک دو کشور بود روسیه در اکتبر ۲۰۱۵ به گونه‌ای رسمی اعلام نمود که اقدامات نظامی خود علیه داعش و گروه‌های چالشگر در سوریه را که دارای اقدامات فرقه‌ای و آشوب‌ساز هستند را گسترش خواهد داد (Marten, 2015:195). در این چارچوب روسیه برای تحقق اهداف خود، بخشی از نیروی هوایی و دریایی این کشور را درگیر بحران منطقه‌ای خاورمیانه کرد. (Kendall & Frantz, 2022:85). به علت منافع مشترک دو کشور در پرتو بحران‌های منطقه‌ای، سطحی از همکاری‌های عمل‌گرایانه و تاکتیکی بین ایران و روسیه برای مقابله با تهدیدات نوظهور شکل گرفته بود. چنین فرآیندی به گونه اجتناب‌ناپذیر به عنوان عامل مؤثری در جهت «گسترش جبهه مقاومت» محسوب می‌شود.

چهارمین راهبرد و استراتژی دولت اعتدال در برابر کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی خارجی را می‌توان تأکید بر اصل «نفی خشونت و افراط‌گرایی» به شمار آورد. رئیس وقت دولت با این ذهنیت (نفی خشونت و افراط‌گرایی) در اولین حضورش در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به طرح مباحث سیاست خارجی دولت یازدهم در جمهوری اسلامی ایران پرداخت و با ارائه پیشنهاد «جهان‌عاری از خشونت و افراطی‌گری» تا حدودی توانست نظرها را به خود جلب کند. روحانی در اجلاس سازمان همکاری‌های شانگهای در شهریور ۱۳۹۲ نیز مسلح کردن گروه‌های افراطی و تکفیری و به‌ویژه دستیابی این گروه‌ها به سلاح‌های شیمیایی را بزرگ‌ترین خطر برای صلح و امنیت بین‌الملل و منطقه دانست و تأکید کرد که دنیا نیازمند نفی خشونت و افراطی‌گری

است و سازمان ما می‌تواند پرچم‌دار چنین حرکتی باشد (چادله و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸۹). شاید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که توانسته بود به این ذهنیت دولت اعتدال شکل ببخشد ظهور و بروز گروه‌های سلفی- تکفیری، بحران‌سازی آن‌ها در دولت‌های منطقه و خشونت خانمان‌سوزی بود که از سوی آن‌ها علیه کشورها و ملت‌های سوریه و عراق اعمال شده بود.

تحلیل تطبیقی سیاست خارجی و امنیتی دولت‌ها

بر اساس بررسی کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی و کنشگری دولت‌های محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴) و حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) در تطبیق با چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر الگوی محیط امنیتی در سیاست خارجی و سنجش اصول و کنشگری‌های تنظیم‌شده، محیط امنیتی سیاست خارجی و کنشگری دو دولت با یکدیگر مقایسه شده و در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳. مقایسه تطبیقی کانون‌ها و مراجع تهدیدساز امنیتی و کنشگری دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی بر

اساس الگوی چارچوب نظری پژوهش

اصل چند راستایی	ندارد
اصل انطباق‌پذیری	دارد
اصل هماهنگی و سازگاری	ندارد
اصل دوراندیشی	ندارد
اصل قابلیت عملیاتی	ندارد
کنشگری دولت‌ها	اتخاذ استراتژی مقابله‌جویانه در قالب کنشگری ضد‌هژمون
بعد کنشگران امنیتی (دولتی - غیردولتی)	دولتی
بعد موضوعی (تک‌بعدی - چندبعدی)	چندبعدی
سطوح امنیتی (داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی)	داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی
ابعاد محیطی (عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی)	عینی - جغرافیایی - ذهنی - روانی
کانون‌ها و مراجع تهدیدساز	مسئله هسته‌ای ایران
دولت احمدی‌نژاد	

اصل چند راستایی	ندارد	ندارد	ندارد
اصل انطباق پذیری	دارد	دارد	دارد
اصل هماهنگی و سازگاری	دارد	ندارد	ندارد
اصل دوراندیشی	دارد	ندارد	ندارد
اصل قابلیت عملیاتی	دارد	ندارد	ندارد
کشگری دولت‌ها	پیگیری سیاست جهان سوم گرای و نگاه به شرق	کاهش سطح انعطاف پذیری و مقاومت مؤثر در سیاست خارجی	بازگشت به سیاست برتری گنتمان امت - گرای بر ملت‌گرایی (دور اول)
بعد کشگران امنیتی (دولتی - غیردولتی)	دولتی	دولتی	دولتی غیردولتی
بعد موضوعی (تک‌بعدی - چندبعدی)	چندبعدی	چندبعدی	چندبعدی
سطوح امنیتی (داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی)	منطقه‌ای و بین‌المللی	بین‌المللی	منطقه‌ای
ابعاد محیطی (عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی)	ذهنی - روانی	ذهنی - روانی	عینی - جغرافیایی
کانون‌ها و مراجع تهدیدساز	طرح مسئله هولوکاست	طرح اندیشه‌های ساختارشکنانه در نظام بین‌الملل	وقوع قیام‌های عربی

اصل چند راستایی	دارد	دارد	دارد	اصل چند راستایی
اصل انطباق‌پذیری	دارد	دارد	دارد	اصل انطباق‌پذیری
اصل هماهنگی و سازگاری	دارد	دارد	دارد	اصل هماهنگی و سازگاری
اصل دوراندیشی	دارد	دارد	دارد	اصل دوراندیشی
اصل قابلیت عملیاتی	دارد	دارد	دارد	اصل قابلیت عملیاتی
کنشگری دولت‌ها	توسعه روابط با آمریکای لاتین جهت خروج از انزوای بین‌المللی	توسعه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی	پیگیری سیاست دیپلماسی و مذاکره	کنشگری دولت‌ها
بعد کنشگران امنیتی (دولتی - غیردولتی)	دولتی / غیردولتی	دولتی	دولتی / غیردولتی	بعد کنشگران امنیتی (دولتی - غیردولتی)
بعد موضوعی (نگ‌بعدهای - چندبعدهای)	چندبعدهای	چندبعدهای	چندبعدهای	بعد موضوعی (نگ‌بعدهای - چندبعدهای)
سطوح امنیتی (داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی)	منطقه‌ای	ختی سازی نسبی	منطقه‌ای	سطوح امنیتی (داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی)
ابعاد محیطی (عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی)	عینی - جغرافیایی	ذهنی - روانی	عینی - جغرافیایی	ابعاد محیطی (عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی)
کانون‌ها و مراجع تهدیدساز	بحران‌های منطقه‌ای و ظهور تروریسم تک‌گیری	مسئله هسته‌ای ایران	تهدیدات ژئوپلیتیکی	کانون‌ها و مراجع تهدیدساز
		دولت روحانی		

اصل چند راستایی	دارد	دارد
اصل انطباق‌پذیری	دارد	دارد
اصل هماهنگی و سازگاری	دارد	دارد
اصل دوراندیشی	دارد	دارد
اصل قابلیت عملیاتی	دارد	دارد
کنشگری دولت‌ها	همکاری عمل‌گرایانه و تاکتیکی با قدرت‌های جهانی	نفی خشونت و افراط‌گرایی
بعد کنشگران امنیتی (دولتی - غیردولتی)	دولتی	دولتی / غیردولتی
بعد موضوعی (تک‌بعدی - چندبعدی)	چندبعدی	چندبعدی
سطوح امنیتی (داخلی - منطقه‌ای و بین‌المللی)	منطقه‌ای و بین‌المللی	منطقه‌ای
ابعاد محیطی (عینی - جغرافیایی، ذهنی - روانی)	عینی - جغرافیایی	عینی - جغرافیایی
کانون‌ها و مراجع تهدیدساز	سیاست فشار حداکثری ترامپ	بحران‌های منطقه‌ای و تروریسم تک‌گیری

در توضیح این جدول مقایسه‌ای می‌توان گفت که راهبردهای کنشگری و اصول سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد دربرگیرنده مواردی همانند مقابله‌جویانه و ضدهژمونی، جهان سوم‌گرایی و نگاه به شرق، امت‌گرایی اسلامی و ... بوده است. نقطه ضعف راهبردهای دولت احمدی‌نژاد، کاهش انعطاف‌پذیری دیپلماتیک و تشدید تحریم‌ها به دلیل مواضع تهاجمی، نقطه قوت آن توسعه روابط با چین، روسیه و آمریکای لاتین برای کاهش وابستگی به غرب و چالش آن تقابل با دولت‌های عربی و تشدید شکاف‌های مذهبی به جهت اولویت‌دهی به گفت‌وگو فراملی اسلامی در بحران‌های منطقه‌ای (مانند حمایت از گروه‌های مقاومت) بوده است.

راهبردهای کنشگری دولت روحانی دربرگیرنده تعامل سازنده و چندجانبه‌گرایی، موازنه سازی راهبردی منطقه‌ای، نفی خشونت و افراط‌گرایی و... بوده است. نقطه ضعف این راهبردها وابستگی به حسن نیت غرب و شکست راهبرد پس از خروج ترامپ به دلیل اولویت دادن به مذاکره و دیپلماسی برای بهبود چهره ایران (مانند برجام)، نقطه قوت این راهبردها تثبیت نقش ایران به عنوان بازیگری کلیدی در خاورمیانه به دلیل همکاری با روسیه در سوریه و مقابله با داعش برای حفظ نفوذ منطقه‌ای و نقطه چالش آن محدودیت در تأثیرگذاری به دلیل تنش‌های موجود با عربستان و اسرائیل بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش انجام‌شده بررسی کانون‌ها و منابع تهدید ساز امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بررسی استراتژی‌ها و نحوه کنشگری ایران در برابر این منابع تهدید ساز در دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی بوده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که:

۱- بسیاری از این کانون‌های تهدید ساز امنیتی ریشه در مسائل و مشکلات منطقه‌ای داشته و با تغییر و تحولات منطقه‌ای کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز پیچیده‌تر از قبل گردیده‌اند. در حوزه بین‌المللی هم مسئله آمریکا و کنشگری این کشور در خصوص جمهوری اسلامی ایران یکی از پایه‌های ثابت تهدیدات امنیتی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران بوده است. شدت و ضعف این کانون تهدید ساز جمهوری اسلامی ایران، بستگی به اجماع یا همراهی سایر بازیگران بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپا داشته است. در برهه‌هایی که بین راهبردهای آمریکا با اتحادیه اروپا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران همگرایی شکل گرفته است کنشگری جمهوری اسلامی ایران با تنگناهای استراتژیکی روبرو شده و حفظ امنیت کشور هم با دشواری‌های متعددی مواجهه شده است.

۲- با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران در حوزه مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدید ساز پیش‌روی خود- به جزء در مقطع دولت اول احمدی‌نژاد- همواره سعی داشته است تا از استراتژی همکاری‌های چندجانبه و سازنده بر اساس رویکرد مصالحه‌گرایی استفاده نماید تا زمینه کنش تعاملی با قدرت‌های بزرگ را به وجود آورده و بازگشت مجددی به مناسبات نظام بین‌الملل داشته باشد اما محدودیت‌های

ساختاری و عملی نظام بین‌الملل و کنشگری تهاجمی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین موانع برای این بازگشت مجدد بوده است. علیرغم تعدیل سیاست‌های ایران در حوزه منطقه و نظام بین‌الملل (به‌خصوص در دولت اعتدال) کماکان سیاست امنیتی و راهبردی رؤسای جمهور آمریکا و برخی از قدرت‌های اروپایی معطوف به محدودسازی قدرت ایران از طریق سازوکارهای «دیپلماسی اجبار» و «سیاست تحریم اقتصادی» بوده است.

۳- بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعدادی از کانون‌ها و مراجع تهدید ساز امنیتی در دولت‌های احمدی‌نژاد حاصل اتخاذ رویکردها و سیاست‌های رئیس دولت وقت بوده و عموماً منشأ داخلی داشته است. از جمله کانون‌های تهدیدسازی که حاصل رویکرد و سیاست تهاجمی دولت وقت در مواجهه با بازیگران و محیط نظام بین‌الملل بوده می‌توان به مواضع افراط‌گرایانه احمدی‌نژاد در خصوص مسئله هسته‌ای، طرح مسئله هولوکاست از سوی ایشان، طرح اندیشه‌های ساختارشکنانه در محیط نظام بین‌الملل و... اشاره کرد. همچنین یافته‌های پژوهش در خصوص سنجش کنشگری دولت عدالت‌گرای احمدی‌نژاد نشان می‌دهد که اتخاذ کنش‌هایی همانند استراتژی مقابله‌جویانه در قالب کنشگری ضد همژمون‌گرایی، کاهش سطح انعطاف‌پذیری و مقاومت مؤثر در سیاست خارجی و بازگشت به سیاست امت‌گرایی اسلامی به‌جای دولت‌گرایی، فاقد اصولی همانند اصول قابلیت عملیاتی، دوراندیشی، سازگاری و چند راستایی بوده است. هرچند که در دور دوم ایشان به‌خصوص در دو سال پایانی دولت دهم و بعد از درک واقعیت‌های محیط و نظام بین‌الملل این رویکردهای هزینه‌زا تا حد زیادی تعدیل شده بود. در مقابل کانون‌ها و مراجع تهدیدساز سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در دولت اعتدال روحانی عمدتاً به علت آشفتگی‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و سیاست جهانی همانند روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا و اتخاذ سیاست فشار حداکثری ایشان علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کنشگری‌های دولت‌های اعتدال روحانی در مواجهه با کانون‌ها و مراجع تهدیدساز منطبق با اصول قابلیت عملیاتی، دوراندیشی، سازگاری، هم‌آهنگی و چند راستایی بوده گرچه نتیجه مطلوب برای نظام جمهوری اسلامی ایران در بر نداشته است.

۴- موفقیت سیاست خارجی ایران در گرو ترکیب هوشمندانه رویکردهای مقاومتی و تعاملی است. در شرایطی که امنیت ملی نیازمند حفظ هویت مستقل و تقویت نفوذ منطقه‌ای است،

هم‌زمان باید از ابزارهای دیپلماتیک برای کاهش هزینه‌های تحریم و انزوای بین‌المللی بهره گرفت. تجربه دو دولت نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری راهبردی و تطابق با تحولات محیطی، کلید مدیریت تهدیدات امنیتی در نظم بین‌المللی پیچیده امروز است.

فهرست منابع

- Aghaei, Seyed Davood; Nouralivand, Yaser (2019). "Security Environment and Foreign and Security Policymaking: Presenting an Analytical Model". *Globalization Strategic Studies Quarterly*, No. 32.
- Aghamohammadi, Masoud; Khoramshad, Mohammad Bagher; Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal; Moradi, Abdollah (2023) Designing a Strategic Model for Ensuring National Security in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Security Protection Research*, Volume 12, Number 46.
- Ajili, Hadi; Afsharian, Rahim (2016). "The Discourse of Moderation in the Foreign Policy of the 11th Government". *Strategic Policy Research*, 19.(۴۹)
- Akbarnzhad, Abolqasem; Cheshk, Karim (2020). "Prioritizing Components Influencing the Defense-Security Policy of the Islamic Republic of Iran". *Defense and Strategic Studies Quarterly*, 18.(۸۰)
- Alipourian, Tahmasb; Nouri Asl, Ahad (2014). "Discourse Evolution or Change in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran". *Political Studies*, 25.
- Asnaider, Richard; H.W. Bruck; Burton Spain (2013). *Decision Making in Foreign Policy*. Translated by Mohammad Jafar Javadi Arjmand and Majid Faraham. Qom: Mofid University Press.
- Bagheri Dolatabadi, Ali; Shafiei Sifabadi, Mohsen (2018). *From Hashemi to Rouhani: A Study of Foreign Policy*. Tehran: Tisa Publications.
- Blouki, Saleh; Khoshkhati, Mehdi; Keshavarz, Bahman; Jafari, Rashid (2018). "Explaining the Foreign Policy of the Moderation Government from a Discourse Analysis Perspective". *Political and International Research*, 9.(۳۷)
- Buzan, Barry; Weaver, Ole (2009). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Translated by Asghar Gharamalekpour. Tehran: Strategic Research Institute.
- Chadleh, Amir; Ahmadi, Mohsen; Ghalami, Fatemeh (2015). "Examining the Common Aspects of Moderation Discourse in the Foreign Policy of Khatami and Rouhani Governments". *National Conference on Moderation Discourse*. Ilam University.
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2007). "The Justice-Oriented Principlist Discourse in the Foreign Policy of Ahmadinejad's Government". *Specialized Quarterly of Political Science*, 3.(۵)
- Eftekhari, Asghar (2008). "Peripheral Security Environment of the Islamic Republic of Iran: A Comprehensive Analysis of the Security Environment". In: *Peripheral Security Environment of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Strategic Research Institute.

- Gerard Ruggie, John. 2004. "Reconstituting the Global Public Domain-Issues, Actors and Practices". *European Journal of International Relations*. vol. 10. no. 4. pp. 499-531.
- Ghadiri, Hashem; Delavari, Abolfazl; Golmohammadi, Ahmad (2023). "Populism and Politics in Post-Revolution Iran: Content Analysis of Presidential Speeches from 1989 to 2016". *Strategic Policy Research*, 12(44), Serial 74.
- Ghoreishi, Seyed Yusuf (2016). *Securitization and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Strategic Research Institute Publications.
- Hamzapur, Ali (2016). *Security Strategies: Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute.
- Hasanpour, Jafar; Shahmohammadi, Mohammad (2016). "Futurist Conditions in Mapping the Security Environment". *Security Research Quarterly*, 15.(۵۴)
- Hejir Sarvar, Hossein; Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2022). "Foreign Policy of Ahmadinejad and Rouhani Governments Based on Classical Realism Theory". **Foreign Policy Quarterly*, 36.(۳)
- IISS, (2021), "Cruise Missiles in the Middle East", 3 September.
- Jafari, Ali Akbar; Zolfaghari, Vahid (2014). "Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran from Security Studies Perspectives: Current Threats and Future Prospects". *Political Studies Quarterly*, No. 33.
- Karaminejad, Hossein; Hadipour, Meysam (2024) Evaluation of the Rouhani government's foreign policy based on the national interests of the Islamic Republic of Iran (2014-2013), *Defense Policy Quarterly*, Volume 33, Number 126.
- Kendall-Taylor, Andrea & Erica Frantz (2022), "After Putin: Lessons from Autocratic Leadership Transitions", *the Washington Quarterly*, Vol. 45, No. 1, 79-96.
- Khoshvaght, Mohammad Hossein (2006). *Decision-Making Analysis in Foreign Policy*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Khosravi Bab Anari, Malek Taj (2017). "The Foreign Policy Approach of the 11th Government Toward Order and Security in the Middle East". *International Relations Studies*, 10.(۳۹)
- Mahmoudi Kia, Mohammad (2018). "The Logic and Worldview of the Foreign Policy of Rouhani's Government". *International Political Research Quarterly*, 10.(۳۴)
- Maloney, Suzanne (2023), "After the Iran Deal; A Plan B to Contain the Islamic Republic", *Foreign Affairs*, March / April, available at: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/iran-nuclear-deal-plan-b-contain-islamic-republic>.
- Mansouri Moghaddam, Jahanshah; Esmaili, Ali (2011). "An Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran During Mahmoud Ahmadinejad's Presidency from the Perspective of James Rosenau's Linkage Model". *Politics Quarterly*, 41.(۱)
- Marten, Kimberly (2015), "Putin's Choices: Explaining Russian Foreign Policy and Intervention in Ukraine", *The Washington Quarterly*, Vol. 38, No 2, pp. 189-204, Summer.

- Matini, Ebrahim; Jamali Pour, Hedayatollah (2012). "Continuity and Change in Iran's Foreign Policy During Khatami and Ahmadinejad's Presidencies". *Political Studies*, 4.(۱۶)
- Mohammadi, Mehdi (2015). "Comparative Study of the Foreign Policy of Principlist and Moderation Governments". *Policy Research*, 2.(۱)
- Mousavi Nia, Seyed Reza (2013). *Decision-Making Models in Iran's Foreign Policy*. Qom: Mofid University Press.
- Mousavian, Seyed Hossein (2015). *Narrative of the Iranian Nuclear Crisis: Untold Stories of a Diplomat*. Tehran: Tisa Publications.
- Nabatian, Mohammad Ismail; Haghgoo, Javad (2018). "An Inquiry into the Reasons for the Shift in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran from Revolutionary to Conservatism". *Islamic Revolution Research Quarterly*, No. 27.
- Nikounhad, Ayub (2022). *Strategic Environmental Analysis: Iran's Future Position in the International System and Scenarios Ahead*. PhD Dissertation. Shahed University, Tehran.
- Qoreishi, Seyed Yusuf (2016). *Securitization and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Strategic Research Institute Publications.
- Rahnama, Ali; Sadeghian, Reza; Mousavi, Seyed Qaem (2017). "Comparison of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Khatami and Ahmadinejad Governments". *Nations Research Monthly*, 2.(۱۶)
- Razavi, Alireza (2009). "Explaining the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of International Relations Theories". *Rahbord Quarterly*, No. 48.
- Sabaghian, Ali; Ahmadi Bigi, Mehdi (2017). "Transatlantic Relations in Iran's Nuclear Negotiations with the P5+1". *Foreign Relations*, 9.(۳۴)
- Sadeghian, Reza; Mousavi, Seyed Qaem (2017). "Comparison of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in Khatami and Ahmadinejad Governments". *Nations Research Monthly*, 2.(۱۶)
- Saghafi Ameri, Nasser; Ahadi, Afsaneh (2008). *Iran and the Look-to-the-East Policy*. Strategic Research Center of the Expediency Council, Foreign Policy Studies Group.
- Shahriyar Manteghi Fasaee, Ali; Jahangiri, Saeed (2021). "Analysis of Internal and External Security Threats to the Islamic Republic of Iran and Their Impact on Public Policymaking". *Crisis Research Quarterly in the Islamic World*, 8(3), Serial 22.
- Zarei, Mohammad Hossein; Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2022). "Foreign Policy of Ahmadinejad and Rouhani Governments Based on Classical Realism Theory". *Foreign Policy Quarterly*, 36.(۳)
- Nikunhad, Ayoub; Buyuk, Mohsen (2023) Future study of emerging foreign policy threats in the Middle East and their impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Security Horizons*, Volume 16, Number 58.

